

نام دبیر: الهیاری

نام دوره: پاییز

نام آموزشگاه: سپهر مهر

شماره جلسه: هشتم

نام درس و مقطع و رشته: ادبیات، متوسطه

انسانی

تاریخ جلسه:

مبحث

آرایه: تشبیه بلیغ و انواع آن - استعاره
ی مصرّحه (اشکار) - مکنیه - تشخیص

۵۶ تا ۶۶

صفحه‌ی کتاب درسی

تمرین از کتاب های درسی، آبی، پرتکرار

نام کتاب

194	191	185						178	174	167	160	برای کلاس دبیر و کار در کلاس
آبی	آبی	آبی	۵درسی	۴درسی	۳درسی	۲درسی	۱درسی	۱۷۷آبی	۱۷۵آبی	۱۶۹آبی	۱۷۱آبی	برای کار در منزل

تشبیه: مانند کردن کسی یا چیزی به کسی یا چیزی دیگر است. یا ادّعی همانندی میان دو یا چند چیز است.

هر تشبیه ۴ رکن دارد: ۱- مشبه ۲- مشبه به ۳- وجه شبه ۴- ادات تشبیه

معروف ترین ادات تشبیه عبارتند از: چو- چون - همچون - چنان- مانند - همانند - می ماند - مثل - شبه - تشبیه -

شکل به شیوه ی - به گونه ی - به مثل - مانا- آسا - به سان - به کردار - گفتی - گویی که - انگار که - و ...

ارکان اصلی تشبیه: مشبه و مشبه به است که به آن ها طرفین تشبیه می گویند. زیرا در تمام تشبیهات وجود دارند.

انواع تشبیه با توجه به بودن یا نبودن دو رکن وجه شبه و ادات عبارتند از:

نوع تشبیه	مشبه	مشبه به	وجه شبه	ادات	مثال
تشبیه صریح (کامل)	+	+	+	+	هستی مانند دریایی گسترده است.
تشبیه مُجَمَّل	+	+	-	+	هستی مانند دریاست.
تشبیه مؤکد	+	+	+	-	هستی دریایی گسترده است.
تشبیه بلیغ	+	+	-	-	

تشبیه بلیغ اضافی:

دریای هستی

انواع تشبیه بلیغ:

مشبه به مشبه

تشبیه بلیغ اسنادی:

مضاف مضاف الیه

تشبیه مفرد و تشبیه مرکب:

هستی دریا است.

تشبیه مفرد: آن است که یک کس یا یک چیز به یک کس یا یک چیز دیگر مانند شود. مشبه مشبه به

نهاد + مسند + فعل اسنادی

مانند: مادر فرشته / مشبه به مشبه

مفرد مفرد

تشبیه مرکب: آن است که به ظاهر دو چیز به دو چیز دیگر مانند شوند اما در واقع یک هیأت و مجموعه به هیأت و مجموعه ید دیگر مانند شود.

بر شاخ زمرد جام باده / م ب ۲ م ب ۱

شقایق یکی پای ایستاده / م ۱ م ۲

نحوه ی قرار گرفتن شقایق بر روی ساقه مانند نحوه ی قرار گرفتن جام باده بر شاخه ی سبز از جنس زمرد است.

مشبه به مرکب

مشبه مرکب

تو همچو صبحی و من شمع خلوت سحرم تبسمی کن و جان بین که چون همی سپرم
(در بیت دو تشبیه مفرد به مفرد وجود دارد که وجه شبه هردو تشبیه در مصراع دوم آمده است.)

استعاره:

در لغت به معنای به عاریت گرفتن و به قرض خواستن است. و در اصطلاح ادبی، به کار بردن کلمه ای در غیر معنای حقیقی آن است به علاقه ی مشابهت.

استعاره ی مصرّحه (آشکار): مشبه + مشبه‌به

استعاره

استعاره ی مکنیه یا بالکنایه (پنهان): مشبه + مشبه‌به

+ یکی از لوازم مشبه‌به حذف شده

استعاره ی مصرّحه: که مشبه در آن محذوف است و مشبه‌به به جای مشبه‌به کار می رود.

*بهترین راه برای تشخیص استعاره، تبدیل دوباره ی آن به تشبیه است زیرا استعاره در اصل تشبیه بوده است. رابطه ی استعاره با تشبیه و مجاز: استعاره از آن جا که بین معنای حقیقی و مجازی آن نوعی شباهت و همانندی وجود دارد، نوعی تشبیه است اما تشبیهی که در آن مشبه یا مشبه‌به حذف شده است. و نیز از آن جا که در آن واژه ای به جای واژه ی دیگر به کار می رود، نوعی مجاز است اما مجازی که علاقه یا همان عامل پیوند دهنده ی معنای حقیقی واژه به معنای غیر حقیقی آن شباهت آن ها به یکدیگر است.

مثال: بُتی دارم که گرد گل زسنبُل سایه بان دارد بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد.

استعاره از یار استعاره از چهره استعاره از زلف

در ابیات زیر تشبیه و استعاره را مشخص کنید:

۱- درد بی درمان پیری را دوا بی حاصل است

۲- ای غنچه ی خندان چرا خون در دل ما می کنی

۳- تا در این ماتم سرا چون گ نظر واکرده ایم

۴- آینه ات دانی چرا غماز نیست

۵- عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت

۶- بر لب جام زدی بوسه و یک عمر گذشت

استعاره ی مکنیه: یا پنهان استعاره ای است که بر عکس استعاره ی محرمه، از ارکان تشبیه بلیغ، مشبه‌به را

حذف می کنیم ولی از نشانه ها و لوازم آن، چیزی را به همراه مشبه می آوریم.

استعاره مکنیه به صورت اضافی

استعاره ی مکنیه دو نوع است:

استعاره ی مکنیه ی اسنادی

استعاره ی مکنیه به صورت اضافی: آن است که نشانه یا لوازم مشبه به حذف شده باکسره به اوّل مشبه اضافه شود.

(این نوع استعاره را در دستور زبان، اضافه ی استعاره می گویند) مانند:

دست روزگار - کنگره ی عرش - روی گل - رقص گل - وصیت نامه ی شبنم - دست عقل - آستین عشق

- پای صبر - دامن قرار ...

صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن / دور فلک درنگ ندارد، شتاب کن

خورشید می ز مشرق ساغر طلوع کرد / گر بانگ عیش می طلبی، ترک خواب کن

استعاره ی مکنیه ی اسنادی: آن است که نشانه یا لوازم مشبه به حذف شده در داخل جمله باشد و با کسره به مشبه اضافه نشده باشد. مانند: از شنیدن این سخن چهره اش شکفت = در اصل، چهره به گل مانند شده است

. یعنی $\frac{\text{چهره}}{\text{م}}$ مانند $\frac{\text{گل}}{\text{م،ب}}$ است که $\frac{\text{می شکفت}}{\text{لوازم مشبه به حذف شده}}$

این گونه است مثال های زیر:

- به صحرا شدم عشق باریده بود .
- تنهایی صورتش را پشت پنجره چسبانده بود .
- جاده نفس نفس می زد .
- خشکی و سردی از سر تا پای او می بارید .
- ابر می گرید و می خندد از آن گریه ، چمن .

تشخیص: (شخصیت بخشی)

دادن ویژگی های انسانی به اشیاء و پدیده های غیر انسانی است .

در بخش استعاره ی مکنیه ، تمام استعاره هایی که مشبه به حذف شده ی آن ها ((انسان)) است، تشخیص نیز هست .

نکته: هر تشخیصی استعاره ی مکنیه نیز هست ، اما هر استعاره ی مکنیه ای لزوماً تشخیص نیست .

× دیده ی عقل مست تو ، چرخه ی چرخ پست تو گوش طرب به دست تو ، بی تو به سر نمی شود .

تشخیص و استعاره ی مکنیه تشخیص و استعاره ی مکنیه